

آدرس مقاله در پایگاه مجلات تخصصی نور: مجله کتاب ماه علوم اجتماعی « اسفند ۱۳۷۸ و فروردین ۱۳۷۹ - شماره ۲۹ و ۳۰ (از صفحه ۲۰ تا ۲۲)

URL : <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=66386>

عنوان مقاله: حقوق بین الملل بشر دوستانه (۳ صفحه)

نویسنده : قربان نیا، ناصر

چکیده :

کلمات کلیدی :

ضمان اجرا در حقوق بشر دوستانه: تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین الملل بشر دوستانه

هنگامه صابری

چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

۱۳۷۸، ۲۵۹ صفحه

کتاب حاضر، اثری خواندنی و بسیار ارزشمند است که به خوبی تلاش قابل ستایش نگارنده محترم آن را در تتبع و تدوین اثر به نمایش می‌گذارد. در این کتاب، طی سه جستار، مطلب ذیل مورد بحث، کاوش و مذاقه قرار گرفته است " ۱- اقدامات انفرادی دولت‌ها به منظور تضمین اجرای قواعد بشردوستانه

۲- اقدامات جمعی دولت‌ها به منظور تضمین بین المللی بشردوستانه در پرتو ماهیت قواعد آن.

۳- تعهد دولت‌ها در تضمین اجرای حقوق بین المللی بشر دوستانه در پرتو ماهیت قواعد آن.

در قالب جستارهای سه گانه از مباحث شایان توجهی همچون اتخاذ تدابیر در جهت پیشگیری از نقض قواعد بشردوستانه، نظارت بر اجرای قواعد بشردوستانه، واکنش در برابر نقض حقوق بشردوستانه، نقش سازمان ملل متحد در تضمین اجرای حقوق بشردوستانه، راهکارهای ویژه متخاصمان در جهت ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بشردوستانه، مسئولیت دولت‌های ثالث برای تضمین رعایت قواعد بشردوستانه بین المللی از سوی متخاصمان و روشهای اجرای آن، مسئولیت مشترک متخاصمان و دولت‌های ثالث در محاکمه کیفری مرتکبان نقض قواعد بشردوستانه بین المللی، تعهدات بشردوستانه به عنوان تعهداتی مطلق و غیر مشروط و... به خوبی سخن به میان آمده است.

اعتراف باید کرد که جزء جزء بحث‌های مطروحه در کتاب حاوی نکات ارزنده‌ای است و قابل استفاده می‌نماید، خاصه اینکه نگارنده در به سامان رساندن تحقیق از منابع بسیار ارزشمندی بهره برده است. وجود مقدمه و ارزیابی نیز از محسنات این کتاب محسوب می‌شود. اگرچه حلقهء ارتباطی بین جستارها مفقود است و نیز هر جستاری فاقد نتیجه‌گیری لازم است.

۱- گفته آمد که مفردات بحث به تنهایی حاوی مطالب بسیار مفیدی است، بنابراین در این نگاه اجمالی، منحصرأ نظری به ترکیب بحث می‌افکنم. مایل هستم فرضیه به اثبات رسیده را مورد بررسی قرار دهم و شخص نگارنده را نسبت به ایردهایم به داوری طلیم. قطعاً خواننده تصوّر خواهد فرمود، سخن این است که «تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه» فرضیه‌ای ناصواب است، ولی نه، سخن ما هرگز این است، اما آنچه را که نگارنده محترم در متن کتاب به اثبات آن نشسته و

حقوق بین الملل بشردوستانه

ناصر قربان‌نیا

مدیر گروه حقوق دانشگاه مفید

جهت مبرهن ساختن آن تمامی همت خود را مبذول فرموده نیز آن چیزی نیست که در عنوان کتاب «ضمانت اجرا در حقوق بردوستانه. تهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین المللی بشردوستانه» قرار گرفته است و البته این خود را جای خود اشکالی محسوب می‌گردد؛ عنوان کتاب باید منعکس‌کننده چیزی باشد که در متن آمده است.

در قسمتی از مقدمه کتاب چنین آمده است: «ماده یک مشترک چهار معاهده ۱۹۴۹ ژنو اعلام می‌دارد، دول معظم متعاهد، متعهد می‌شوند که مفاد معاهدات حاضر را در هر شرایطی اجرا کرده و اجرای آن را تضمین نمایند.»

«این ماده برای نخستین بار در تاریخ قواعد حقوق بین الملل عمومی، دولت‌های عضو یک معاهده بین المللی را ملزم می‌سازد که علاوه بر اینکه خود اجرای مفاد آن قرار داد را بر عهده می‌گیرند، اجرای آن را نیز تضمین کنند، تعهدی نامتعارف که به همین دلیل مورد بی‌مهری نسبی حقوقدانان قرار گرفته است» (مقدمه/سیزده).

در قسمت آخر مقدمه نیز آمده است: «نوشتار حاضر با هدف معرفی تعهد مندرج در ماده یک مشترک و بررسی راهکارهای اجرای آن تهیه شده است.» (مقدمه/هفده)

در بخشی از نتیجه کتاب (که نگارنده چنین می‌خوانیم) «نوشتار حاضر با هدف معرفی تعهدی استثنایی در میان تعهدات برخاسته از حقوق بین الملل عمومی برای دولت‌ها تهیه شده... تعهد تضمین اجرای حقوق بین المللی بشردوستانه. ماده یک مشترک معاهدات چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و نخستین پروتکل ضمیمه آنها مبنی تعهدی دوگانه برای متعاهدین است؛ تعهد اجرا و تضمین اجرای مفاد آن اسناد...» (۲۴۱)

چنانکه از عبارتهای مذکور که مطالب متن در جهت اثبات آن سامان یافته، استفاده می‌شود، تئوری نگارنده محترم آن است که «تمامی دولت‌ها متعهدند که اجرای قواعد حقوق بشردوستانه را توسط دولت‌های دیگر تضمین نمایند!!» و بسیار واضح است که این تعهد، تعهدی است بسیار سنگین و در واقع غیر قابل اجرا. و حال آنکه آنچه عنوان کتاب قرار گرفته «تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه» تعهدی است آسان و قابل اجرا. بنابراین مناسب آن است که بین متن کتاب و عنوان آن سازگاری وجود داشته باشد.

نکته شایان ذکر دیگر در این باره آن است که «تعهد (به تصویر صفحه مراجعه شود) دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بشردوستانه» اگر تعهدی اخلاقی است که از ضمانت اجرایی اخلاقی و نیز فشار افکار عمومی *Public Opinion* برخوردار است و حال آنکه در متن، از الزامی حقوقی به عنوان ضمانت اجرا سخن به میان آمده و در نتیجه‌گیری تصریح شده است که «بدین ترتیب تعهد مندرج در ماده یک مشترک نه شعار و نه صرفاً موعظه‌ای اخلاقی است، بلکه از تمامی ویژگیهای یک تعهد الزام‌آور حقوقی برخوردار است.» (ص ۲۴۳)

۲- نکته‌ای که از نظر محقق محترم پنهان مانده این است که دولت‌ها چه ساز و کاری برای اجرای آن تعهد در اختیار دارند و چگونه می‌توانند این تعهد را ایفا نمایند! آیا اجرای حقوق بشر دوستانه توسط یک دولت در اختیار دولت‌های دیگر است که بتوانند آن را تضمین و تامین نمایند. افزون بر این، ضمانت اجرای این تعهد چیست؟ اگر چنانکه ادعا فرموده‌اند این تعهد، از تمامی ویژگی‌های یک تهد الزام‌آور برخوردار است، باید بدین پرسش پاسخ گفت که مگر برای یک تعهد الزام‌آور و حقوقی، ویژگی‌ای مهمتر از ضمانت اجرا وجود دارد؟ و آیا می‌توان گفت هر گاه کشوری در زمان جنگ حقوق بشردوستانه را رعایت نکند، سایر کشورها چون تعهد خویش در تضمین اجرای آن را ایفاء نکرده‌اند دارای مسئولیت بین المللی هستند؟ استدلال مؤلف محترم تامل کردنی است. یکی از استدلال‌هایی که مورد توجه خاص قرار گرفته، استدلال به ماده یک

مشترک *respect* و *to ensure respect* وجود دارد. آورده‌اند «ترجمه نادرست از این ماده موجب شده است که در نوشته‌های موجود به زبان فارسی در زمینه حقوق حاکم در جنگ هیچ نشانی از توجه به تعهد تضمین اجرای حقوق بین المللی بشردوستانه یافت شود.» [نشود صحیح است] ضمن انتقاد به ترجمه رسمی به عمل آمده که کاملاً بجاست، سعی فرموده‌اند از عبارت *zensure respect* تعهد تضمین اجرا توسط سایر دولت‌ها را اثبات کنند!! که صد البته چنین معنای مهمی را هرگز افاده نمی‌کند. آری *respect* و *zensure respect* ممکن است به یک معنا نباشد و دومی تأکید اولی تلقی نشود. ولی به آسانی می‌توان چنین معنایی از عبارت دریافت که «دولت متعهد به عرایت مقررات کنوانسیون و تضمین و تأمین اجرای آن توسط اتباع، بویژه جنگجویان و نهادهای درگیر در منازعه مسلحانه است.» و از این روست که موظف است مقدمات ضروری برای اجرای مقررات بشردوستانه

مطالب متن در جهت اثبات این نکته است که تمامی دولت‌ها متعهدند اجرای حقوق بشر دوستانه را توسط دولت‌های دیگر «تضمین» نمایند که تعهدی بسیار سنگین و غیر قابل اجراست اما آنچه در عنوان کتاب آمده صرفاً تعهد دولت‌ها در «ترغیب» یکدیگر به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه است که تعهدی آسان و قابل اجراست.

منفعت هر دولت در حمایت از حقوق بشر، آن زمان مصداق دارد که قاعده‌ای مرتبط با نظم عمومی بین المللی نقض شده باشد.

قاعده نقض شده باید حقوقی را دربر گیرد که همه دولت‌ها در حمایت از آن منفعتی حقوقی داشته باشند

همچون اقدامات تقنینی به منظور منطبق ساختن قوانین داخلی یا معیارهای بشردوستانه بین المللی و همچنین اشاعه آگاهی نسبت به آن مقررات در میان نظامیان و غیرنظامیان را فراموش آورد. و این برداشت را مواد مندرج در فصل «اجرای قرارداد» که در کنوانسیونهای چهارگانه تعبیه شده، تأیید می‌کند. در طی چند ماده که در تمامی کنفرانسها با کمترین تغییر و یا حتی بدون تغییر تکرار شده چنین مقرر شده است"

ماده ۴۵ کنفرانس اول "هر دولت داخل در جنگ باید به وسیله سرفرماندهان خود لوازم اجرای مواد بالا و همچنین موارد پیش‌بینی نشده را بر طبق اصول کلی این قرارداد فراهم آورد.

ماده ۴۷ "دولت‌های معظم متعهد، تعهد می‌کنند که در زمان صلح و جنگ متن این قرارداد را هر چه بیشتر در کشور خود اشاعه دهند و مخصوصاً تدریس آن را در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان در برنامه تعلیمات کشوری بگنجانند بطوری که عامه مردم خصوصاً نیروهای مسلح داخل در جنگ و کارکنان بهداری و کشیشان بر اصول آن واقف باشند.

در این مواد که راه اجرای کنوانسیونها را به دولت‌ها می‌نمایند، اثری از تعهدی که نگارنده محترم در صدد اثبات آن است یافت نمی‌شود. آیا اگر کنوانسیونها چنین تعهدی را مدّ نظر داشتند، نباید در فصل مربوط به اجرا حتی بطور اشاره راه اجرای آن را بنمایانند؟

۲- یکی از مباحث خوبی که توسط مولف محترم مطرح شده زیر این عنوان است که «آیا تعهد تضمین اجرا حقوق بین الملل بشردوستانه به حقوق بشر نیز تسری یافته است؟» و پس از بحث و بررسی این نتیجه را به دست داده‌اند که «در نهایت باید گفت به غیر از معدود قواعدی که نمی‌توان در خصوص era omnes بودن آنها تردید کرد، حقوق بشر نتوانسته است از مزایای تعهد تضمین اجرای خود از سوی تمامی دولت‌ها برخوردار شود.» [ص ۲۳۹] «اما حکومت حقوق بین المللی بشردوستانه در زمان جنگ و بنابراین برخورداری از سازوکارهای اجرای، نظارتی و جزایی خاص از یکسو و روشن نبودن وضعیت ویژگی امریت در بسیاری از قواعد حقوق بشر از سوی دیگر مانع از آن است که بتوان به سادگی [تعهد تضمین را] به حقوق بشر تعلیم داد.» (ص ۲۴۵)

اولاً "انتظار بسیار طبیعی از نویسندگان محترم این است که در بحث مهمی چون متعهد دانستن دولت‌ها در تضمین اجرای حقوق بشر دوستانه، عمیقاً و مفصلاً در آغاز بحث از مبانی «فلسفه» آن سخن بگوید" وقتی به تعبیر خود وی تعهدی کاملاً نامتعارف که مورد بی‌مهری قرار گرفته را به اثبات می‌رساند، نمی‌تواند به مبانی تعهد نپردازد. جستار پایانی (سوم) با این

عنوان شکل گرفته است «تعهد دولتها در تضمین اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه در پرتو ماهیت قواعد آن» که البته می تواند بحثی مبانی تلقی شود. ولی اولاً در پایان بحث که جایگاه بحث مبانی نیست، طرح شده و ثانیاً به اختصار از آن سخن به میان آمده است. قاعده آمره و نظم عمومی بین المللی، مبانی اخلاقی، عدالت، تعهدات عام *omnes erga* مشترک *zactio pupularis* و تعهدات اساسی دولتها در برابر حقوق بنیادین بشر از مسایلی نیست که در چنین بحث مهمی بتوان از آن سخن نگفت و یا از کنار آن به سادگی گذشت و در عوض بر روی یک واژه *zensure respect* با معنایی ظنی و مبهم تکیه کرد. و اگر مبانی بحث روشن می شد، پاسخ به این سوال که آیا این تعهد به حقوق بشر نیز تسری می یابد بسیار آسانتر و منطقی تر می نمود.

به نظر می رسد از مجموع آراء دیوان دادگستری بین المللی، بویژه آنچه در مقدمه حکم دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن آمده، با تمام ابهامی که دارد این مقدار می توان استفاده نمود که تعهدات دولتها در قلمرو حقوق بشر، خصوصیتی عینی دارد. زیرا موضوع آنها حمایت از حقوق اساسی افراد در قبال دولتهای متعهد است. این تعهدات با آن تعهداتی که برای دولتها، حقوقی مشخص و متقابل بوجود می آورد، متفاوت است. موضوع تعهدات مربوط به حقوق بشر دولتی دیگر از خود حساسیت نشان دهد، باید قصد و غرض وی دفاع از ارزشهای مشترکی باشد که مبانی همبستگی همه دولتهاست. دفاع از این قبیل ارزشهای مشترک برای هر دولت منفعتی پدید می آورد که در برابر همه دولتها قابل استناد است.

دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن صریحاً اعلام نمود که «تعهدات دولتها در قبال کل جامعه بین المللی با منفعت هر دولت در رعایت حقوق ناشی از آن تعهدات مرتبط است تا آنجا که همه دولتها در حمایت از آن حقوق دارای منفعتی حقوقی هستند.» در این قضیه دیوان بین المللی دادگستری به رغم آنکه بر این باور بود که در نظام بین المللی هیچ دولتی اصولاً حق دفاع از منافع عمومی را ندارد، این واقعیت را آشکار ساخته است که در موارد مربوط به قواعد بنیادین حقوق بین الملل و تعهداتی که دولتها در برابر کل جامعه بین المللی بر عهده گرفته اند، هر دولت در رعایت تعهدات دارای منفعتی حقوقی است. از این حکم می توان دریافت که منفعت هر دولت در حمایت از حقوق بشر آن زمان مصداق دارد که قاعده ای مرتبط با نظم عمومی بین المللی نقش شده باشد قاعده نقض شده باید حقوقی را در برگیرد که همه دولتها در حمایت از آن منفعتی حقوقی داشته باشند. قواعد آمره حقوق بین الملل، تعهدات عام و تعهدات اساسی دولتها دقیقاً بین الملل، تعهدات عام و تعهدات اساسی دولتها دقیقاً دربردارنده حقوقی است که همه دولتها در حمایت از آن دارای حقی برابر و منفعت حقوقی یکسانی هستند.

ماده پنجم طرح کمیسیون حقوقی بین الملل درباره مسئولیت دولتها با توجه به همین منفعت، آن دولتی را که به واسطه عمل خلاق دولتی دیگر به حقوقش لطمه ای وارد شده است، دولت متضرر (*Etat lese*) نامیده است. از این ماده استفاده می شود. که اگر یکی از قواعد عام بین المللی که ناظر بر حمایت از حقوق بشر است نقض گردد هر یک از دولتها با صرف نظر از ماهیت قراردادی، عرفی یا امری آن قاعده، «متضرر» قلمداد می شود. با این حال دولتها در صورتی می توانند برای اعمال آن حق به اقدامات قهری متوسل شوند که اعمال ناقض حق نتیجه جنایتی بین المللی یعنی نقض شدید قاعده امری باشد. شایان گفتن است که با عنایت به طرح کمیسیون حقوق بین الملل پیرامون مسئولیت بین المللی دولتها مواجهه با نقض حقوق بشر تنها حق دولتها نیست بلکه برای آنان تعهد ایجاد می کند ماده ۵۲ طرح مزبور مقرر داشته است «جنایت بین المللی که دولتی مرتکب آن شده است برای هر دولتی این تکلیف را ایجاد می کند که الف) وضعیت ناشی از جنایت را مشروع نشناسد.

ب) به دولتی که جنایت را مرتکب شده است در جهت حفظ وضعیت ایجاد شده یاری نرساند.

ج) با دولتهای دیگر در جهت انجام تعهدات ناشی از بندهای الف و ب همکاری کند.

د) با سایر دولت‌ها در جهت انجام اقداماتی برای امحاء آثار جنایت همکاری کند.

افزون بر این بموجب ماده ۵۵ منشور ملل متحد، سازمان موظف به ترویج احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان است و مطابق ماده ۵۶

آیا می‌توان گفت هر گاه کشوری در زمان جنگ، حقوق بشردوستانه را رعایت نکند، سایر کشورها چون تعهد خویش در تضمین اجرای آن را ایفا نکرده‌اند، دارای مسئولیت بین المللی هستند؟

به موجب قوانین مدنی کشورها، حتی سلب تمتع یا استیفاء از حقوق مدنی مجاز دانسته نشده است. اهلیت تمتع، مظهر بارز شخصیت حقوقی است و رمزی است که خداوند در طبیعت انسان به ودیعه نهاده است و با تولد او ایجاد و تنها با مرگ او از میان می‌رود

منشور، کلیه اعضاء متعهد می‌شوند که برای نیل به آن در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند. جالب توجه است که در ماده مزبور تعبیر *Pledge themselves* آمده است که به معنی *make an obligation* یا، *make an undertaking* و یا *make an written promise* می‌باشد.

باری؛ تعهد مندرج در ماده یک مشترک کنوانسیونهای چهارگانه را در نهایت می‌توان در حد تعهد مندرج در ماده ۵۶ منشور دانست و چنانکه دولتها در منشور [که مطابق ماده ۱۰۳ آن، تعهدات اعضاء بموجب آن بر هر تعهد دیگری مقدم است] تعهد نموده‌اند که در امر ترویج حقوق بشر با سازمان همکاری کنند، در کنوانسیونهای زنو هم می‌توان گفت تعهد به ترغیب و تشویق حقوق بشردوستانه نموده‌اند و نه تضمین اجراء و اتین تعهد بر پایه‌های محکم اخلاق و معنویت استوار است و در حقوق بین الملل که حقا حقوق همبستگی و همکاری است بسیار بدیهی است.

ثانیا" در دو عبارتی که در بحث پایانی و ارزیابی آورده‌اند و ما آن دو را نقل کردیم. دو نکته وجود دارد، عبارت نخست گویای آن است که قواعدی که دارای ویژگی *erga omnes* هستند. از مزایای تعهد تضمین اجرای خود از سوی تمامی دولتها برخوردارند (ص ۲۳۹) و عبارت دوم تاکید و تصریح می‌ورزد که تعهد تضمین، خاص قواعد آمره است و قواعدی از حقوق بشر که آمره نیستند تعهد تضمین در آنها وجود نتواند داشت. متعجّبانه باید پرسید آیا تمامی مقررات بشردوستانه از ماهیت *erga omnes* و آمریت برخوردارند؟ و آیا سخن در این است که دولتها در اجرای قواعد عام و آمره تعهد دارند؟ به نظر نمی‌رسد این تعهد نامتعارف و نامالوف باشد. پر واضح است که دولتها در اجرای قواعد آمره و عام متعهدند ولی محور بحث در کتاب از عمومیت برخوردار است. افزون بر این ای کاش در هر در هر یک از دو عبارت، این هر دو ملاک مطرح می‌شد، نه آنکه در یک جا آمریت را معیار تلقی کنیم و در جای دیگر عام بودن را و فراموش نکنیم که ما از مقرراتی سخن می‌گوییم که ماهیت قراردادی دارند؛ در تمامی کنوانسیونهای چهارگانه حق فسخ قراردادی برای دول معظم متعاهد برسمیت شناخته شده است. [مواد ۱۴۲، ۶۳، ۶۴ و ۱۵۸ کنوانسیونها، چهارگانه] با آنکه قصد ورود به مفردات بحث را ندارم، اما یک نکته توجه را به خود جلب نمود که به اختصار اشاره‌ای به ایراد آن می‌کنم. در قسمتی از جستار پایانی چنین مرقوم فرموده‌اند "براساس مواد ۷، ۷، ۷ و ۸ مشترک چهار معاهده زنو هیچ یک از افراد قابل حمایت اسناد مزبور تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند از تمام یا قسمتی از حقوقی که برای آنها در آن اسناد پیش‌بینی شده است اعراض کنند. تصریح بر اعراض ناپذیری حقوق بین المللی، بشردوستانه به روشنی از مرتبه آن یعنی قرار داشتن در جایگاهی فوق حقوق قراردادی یا حتی صرفا عرفی حکایت می‌کند، زیرا نمی‌توان دست به انقضاء قرار دادی زد که بر آن اساس از تمام یا بخشی از آنها چشم پوشید. یک قاعده حقوقی تنها زمانی می‌تواند اعراض ناپذیر تلقی شود که دارای ماهیت آمره باشد...."

اولا" وقتی از مقررات قراردادی سخن می‌گوییم چگونه ماهیت قراردادی را از آن سلب می‌کنیم. پیشتر متذکر شدیم که در

کنوانسیونهای چهارگانه حق فسخ برای متعاهدان ملحوظ شده است. مگر دولتی می‌تواند تعهد خود در باب قاعده آمره را فسخ کند؟

ثانیا "الزام به لوازم این سخن ممکن نیست. نتیجه طبیعی این سخن آن است که تمامی مقررات بشردواستانه مندرج در کنوانسیونها دارای ماهیت آمره باشند که هرگز نمی‌توان چنین ادعایی نمود

ثالثا "اعراض ناپذیر بودن حق می‌تواند مبنای دیگری هم داشته باشد. می‌دانیم که حق حمایت سیاسی توسط اتباع یک کشور قابل اعراض نیست و بنابراین شرط کالو از وجاهت حقوقی برخوردار نیست، اما آیا بدین سبب که حق حمایت سیاسی جزء قواعد آمره است یا بدین علت که این حق جامعه و دولت است و نه حق یک فرد که بتواند از آن اعراض کند؟

رابعا "پاره‌ای از حقوق را می‌توان «حقوق شخصیت» نامید که از حقوق مادی کاملاً متفاوت است. منافع مادی را جز منتفع کسی از آن بهره‌مند نمی‌گردد و بدین جهت می‌تواند آن را انتقال دهد یا اسقاط کند و یا از آن اعراض نماید ولی حقوق شخصیت بستگی به جامعه دارد. این است که بموجب قوانین مدنی کشورها حتی سلب تمتع یا استیفاء از حقوق مدنی مجاز دانسته نشده است. اهلیت تمتع، مظهر بارز شخصیت حقوقی است و رمزی است که خداوند در طبیعت انسان به ودیعه نهاده است و با تولد او ایجاد و تنها با مرگ او نابود می‌گردد. سلب شخصیت حقوقی از انسان یعنی مرگ حقوقی او و لذا اهلیت تمتع در اختیار آدمی نیست که بتواند آن را از سلب کند. هیچ یک از افراد انسان نمی‌تواند قابلیت دارا شدن حق را از خود سلب کند بطوری که بعداً نتواند آن حق را بدست آورد، خواه سلب تمام آن حقوق باشد مانند آنکه کسی تمام حقوق مدنی خود را سلب کند یا قسمتی از آنرا از خود سلب نماید، مانند حق زوجیت، حق تملک و مانند آن. هیچ کس نمی‌تواند حق ازدواج را از خود سلب کند بدین معنا که نتواند همسری برگزیند بنوعی که هرگاه قرارداد نکاحی منعقد کند رابطه زوجیت حاصل نشود. افزون بر این افراد انسانی نمی‌توانند حق اجراء حقوق مدنی را از خود سلب کنند. به عنوان نمونه ماده ۹۵۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌کند: «هیچکس نمی‌توان بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.»

سخن این است که قاعده عدم جواز سلب حق، آمره است؛ چه، سلب حق موجب زوال شخصیت آدمی می‌شود و اگر آمره بودن ممنوعیت سلب حق، موجب شود تمامی حقوق مدنی و سیاسی آمره تلقی شوند آنگاه باید گفت تفاوتی بین حقوق بشردواستانه و حقوق بشر وجود ندارد و تمامی حقوقی که برای بشر در اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین المللی تعبیه شده است آمره محسوب می‌گردند!

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌خوانیم «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضاء خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیری آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان تشکیل می‌دهد...» و در مقدمه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا عبارات یکسان چنین آمده است: «با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال علیه کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، با اذعان به اینکه حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

در پایان این نوشته مختصر مجدداً تاکید می‌شود که مؤلف محترم کتاب تلاش تحسین برانگیزی در طرح و تبیین یکی از مسائل مهم حقوقی نموده و در این راه تا حدود زیادی توفیق به دست آورده و اثری به جامعه علمی کشور ارائه نموده که بسیار مفید است و این بررسی اجمالی در ضمن توصیف و تعریف آن صورت پذیرفت. از خداوند بزرگ مسئلت می‌کنم توفیق خدمت به دین و حق و دانش به تمامی ما عنایت فرماید.

پایان مقاله